

فرآیند حکم‌شناسی در الگوریتم دانش اصول فقه

گزارش نهمین نشست از سلسله نشست‌های علمی علوم انسانی و اسلامی دیجیتال

در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

پنج‌شنبه ۱۴۰۱/۸/۱۹

ارائه‌دهندگان:

حجت‌الاسلام والمسلمین رضا میهن‌دوست

حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدباقر قدمی

(از اساتید حوزه علمیه قم و مؤلفان کتاب «الگوریتم دانش اصول فقه»)



اشاره

نهمین نشست از سلسله نشست‌های علمی علوم اسلامی و انسانی دیجیتال با موضوع «فرآیند حکم‌شناسی در الگوریتم دانش اصول فقه» در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، در تاریخ ۱۴۰۱/۸/۱۹ برگزار گردید. گفتنی است که از آنجا که نشست دهم تا سیزدهم، مربوط به هفته پژوهش بوده، نخست به ارائه آنها مبادرت ورزیدیم و سپس، نشست نهم را گزارش نمودیم.

در این نشست، ابتدا حجت‌الاسلام والمسلمین رضا میهن‌دوست، استاد حوزه علمیه و از مؤلفان کتاب «الگوریتم دانش اصول فقه»، و سپس، حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدباقر قدمی، استاد حوزه علمیه و از دیگر مؤلفان کتاب یادشده، نظرات خود را در باره شیوه نگارش کتاب و روند کلی استنباط در دانش اصول فقه تبیین نمودند. آنگاه ناقدان و کارشناسان حاضر در نشست نیز به بحث و گفت‌وگو در خصوص مطالب مطرح‌شده پرداختند.

آنچه می‌خوانید، گزارشی است از این نشست علمی که امید است مورد استفاده علاقه‌مندان این گونه مباحث قرار گیرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین میهن‌دوست

– مفهوم‌شناسی الگوریتم

«مؤسسه دانشوران در مشهد، با مدیریت جناب استاد حجت‌الاسلام شیخ حمید درایتی، پروژه‌های پژوهشی متعددی انجام داده است که یکی از آنها، تألیف کتاب الگوریتم دانش اصول فقه بود. قسمت اول از این پروژه، بر اساس مبانی مرحوم مظفر(ره)، و قسمت دوم بر اساس نظرات شهید صدر در حلقات انجام گرفته است. اصول مرحوم مظفر، از این جهت انتخاب شد که کمکی به آموزش این کتاب صورت گرفته باشد. بنده و جناب حجت‌الاسلام قدمی، قسمت اول را انجام دادیم و در قسمت دوم، خدمت حجت‌الاسلام سید علیرضا موسوی مهر نیز هستیم.

به عنوان مقدمه، نکاتی را عرض می‌کنم. اول اینکه در علم روش‌شناسی نخستین چیزی که به انسان ارائه می‌شود، روش تنظیم مباحث است؛ یعنی مثلاً می‌گویند ما روش‌شناسی شیخ انصاری در رسائل یا مکاسب را مطرح می‌کنیم؛ ولی آنچه می‌بینیم، این است که در واقع، روش تنظیم مباحث را از سوی شیخ انصاری مطرح می‌کنند؛ مثلاً ایشان اول محل نزاع را تحریر می‌کند و سپس، اقوال را ذکر می‌نماید که این، لزوماً ترتیب ثبوتی ندارد و یک بحث اثباتی است. اصطلاح دومی از روش‌شناسی به کار برده می‌شود که عبارت است از مکتب‌شناسی؛ یعنی یکی از نظرات مهم و مؤثر یک شخص بزرگ را در نظر می‌گیرند و بر اساس آن می‌گویند این، مکتب فلان آقا است. این اصطلاح هم فعلاً مدنظر ما نیست.

آن چیزی که مورد نظر ماست، روش حل مسئله است. در روش حل مسئله هم، گاهی خیلی کلان وارد می‌شوند و گاهی به صورت جزئی. آن الگوریتمی که ما مطرح می‌کنیم، قسمت دوم است؛ یعنی روش گام‌به‌گام و تفصیلی، از ابتدای برخورد با مسئله تا رسیدن به نتیجه. ما در اصطلاح خودمان، به این می‌گوییم الگوریتم.

در واقع، باید گفت ما یک دستگاه استنباطی داریم که تعدادی عناصر ورودی و خروجی دارد و یک قسمت میانی دارد که همان دستگاه استنباطی است. عناصر ورودی ما، می‌تواند مسئله یا دلیل باشد. این مسئله یا دلیل، داخل در این دستگاه شده و اینجا گام‌های عملی از برخورد با مشکل تا نتیجه طی شده، تا می‌رسد به عنصر خروجی که حکم شرعی یا عدم حکم شرعی است و یا حکم ظاهری یا وضعی یا تکلیفی است.

حجت الاسلام والمسلمین میهن دوست :

آن چیزی که مورد نظر ماست، روش حل مسئله است. در روش حل مسئله هم، گاهی خیلی کلان وارد می شوند و گاهی به صورت جزئی. آن الگوریتمی که ما مطرح می کنیم، قسمت دوم است؛ یعنی روش گام به گام و تفصیلی، از ابتدای برخورد با مسئله تا رسیدن به نتیجه. ما در اصطلاح خودمان، به این می گوئیم الگوریتم

- الگوریتم و مطالب کتب اصولی

نکته دومی که راجع به بحث الگوریتم باید تذکر بدهم، این است که مطالبی که در کتب اصولی با آن مواجه هستیم، بر سه نوع است:

۱. ماهیت شناسی: یعنی فلان قاعده به چه معناست؛

۲. چرایی: یعنی استدلال و ادله؛

۳. چگونگی و کیفیت به کارگیری: مدل و شیوه کاربست.

دو مدل اول، در کتب اصولی خیلی پررنگ است؛ مثلاً این قاعده به چه معنا است؟ و یا دلیلش چیست؟ ولی اینکه بر فرض که ما این قاعده را پذیرفتیم، حالا چه گام‌های عملی دارد و تطبیق و کاربست این قاعده چگونه است، این موضوع کمتر در علم اصول مورد بحث قرار گرفته است. اگرچه قطعاً به صورت ارتکازی در ذهن فقها و اصولیون بوده، اما بالأخره این ارتکاز باید کشف بشود تا بشود از آن بیشتر استفاده کرد.

یک نمای کلی از این کار را ما تهیه کردیم با تقریباً سی و سه خورده الگوریتم در مباحث مختلف که همه اینها را که به هم وصل کنیم، الگوریتم استنباط بر اساس اصول فقه مرحوم مظفر به دست می آید. ارائه همه اینها، در این جلسه ممکن نیست. بنابراین، روند کلی استنباط را خدمت شما عرض می کنم.»

- قرائت‌های سه گانه الگوریتم

«ذکر این نکته لازم است که سه قرائت از الگوریتم وجود دارد:

۱. قرائت انتسابی (قرائت حداکثری و قابل انتساب): به این معنا که الگوریتم کتاب‌های فقهی و اصولی نویسنده را کشف کرده، ادعا کنیم اندیشه او را به دست آورده ایم و این اندیشه را می توانیم تطبیق کنیم و نتایج این تطبیق و کاربستش را به صاحبش نسبت بدهیم. این قرائت، با چالش‌های بسیاری مواجهه است و مخالفان فراوانی دارد؛ زیرا اولاً، علوم انسانی و اسلامی آن قدر صفر و یک نیستند تا بتوان آن را دقیق بررسی کرد و بعد به نتیجه رسید و به نویسنده نسبت داد؛ چراکه متغیرهای شخصی استنباط،



ضابطه‌مند نیستند. اگرچه برخی از استظهارها ضابطه‌مند شده‌اند، مثل هیئت امر که می‌گویند ظهور در وجوب دارد، ولی بسیاری از استظهارها طبق قرائن شخصیه بوده، تحت ضابطه نمی‌آید. شاید بتوانیم بگوییم چنین قرائتی به صورت صددرصدی امکان ندارد؛ البته بعضی از برنامه‌نویسان ادعا می‌کنند که رسیدن به چنین الگوریتمی نیز ممکن است و باید کاربست و تطبیقات آن زیاد باشد تا درصد خطای سیستم خیلی پایین باشد؛ ولی ما فعلاً در این کتاب، ادعای قرائت حداکثری انتسابی را نداشتیم.

۲. قرائت حد وسط یا فقیه‌یار: به این معنا که می‌توان الگوریتمی تهیه کرد که فقیه را در مسیر اجتهاد کمک کند و او را از خطاهای احتمالی مصون دارد؛ مثلاً اگر فقیهی خلاف مبنای خودش عمل کرد، به او هشدار بدهد.

۳. قرائت آموزشی (حداقلی): در این فرض، ما نتیجه را به صاحب اندیشه نسبت نمی‌دهیم و نمی‌خواهیم او را یاری کنیم؛ بلکه در حد آموزش برای طلاب، الگوریتمی را ارائه می‌کنیم. این، قدر متیقن از مفید بودن است؛ زیرا با تهیه الگوریتم و ارائه فلوجارت، حلقه‌های مفقوده کتاب آشکار می‌شود و ربط بین مسائل روشن می‌گردد. همچنین، شرایط تأثیر یک مبنای معین شده، ساختار ذهنی منظم برای طلبه اتفاق می‌افتد.»

– مدل استنباط در کتاب الگوریتم اصول فقه

«روند کلی استنباط، از «مسئله‌شناسی» آغاز می‌شود؛ یعنی ابتدا با فرضیه‌سازی، باید مسئله را تعیین اولیه نمود. مرحله بعد، «دلیل‌شناسی» است. در این مرحله، ادله معتبر لیست می‌شوند؛ مثلاً خبر واحد حسی، معتبر است و یا اجماع، معتبر است. مرحله سوم، «جعل» خواهد بود. در واقع، خللی را که در الگوریتم‌های ارائه‌شده در جوامع علمی دارند، مربوط به خلأ در مراتب حکم است. در واقع، به نظر ما استنباط فقهی، چون استنباط حکم شرعی است، باید معیار اصلی الگوریتم، مراتب حکم شرعی باشد؛ یعنی تمام مباحث اصول فقه، باید بر دور مراتب حکم بچرخد؛ به بیان دیگر، یک قسمت آن، دور جعل و یک قسمت، دور فعلیت و یکی هم دور تنجز بچرخد. پیشنهاد ما در این کتاب، این است که کل مباحث اصول را ما بر اساس ارتباطش با مراتب حکم تنظیم کنیم. بنابراین، مرتبه اول، مرتبه «جعل»

است. مرتبه دوم، «فعلیت» است و مرتبه سوم، «تنجز» است و بعد پایان.

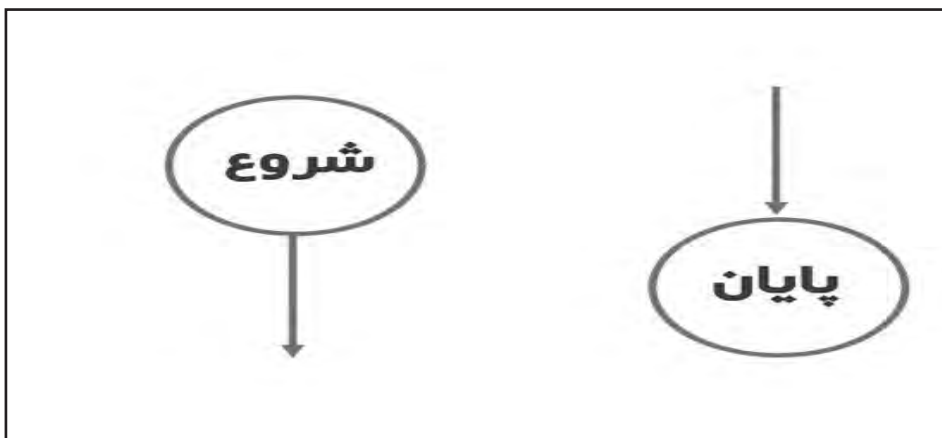
حالا در مرتبه جعل، اولین سؤالی که می‌پرسیم، این است که آیا دلیل لفظی داریم یا نه؟ یعنی مثلاً قرآن یا روایت هست یا خیر؟ اگر جواب خیر باشد، یعنی مثلاً دلیل ما اجماع یا عقل است، ابتدا باید اجزای جعل شرعی را تعیین کنید؛ یعنی حکم، موضوع و متعلقش را مشخص نمایید؛ مثلاً در مورد قضیه «شرب خمر، حرام است»، حرام، حکم است و شرب، متعلق آن و خمر هم موضوع خواهد بود.

حالا اگر دلیل ما قرآن و روایت بود، می‌گوییم آن قرآن و روایت چیست؟ آیا آیه قرآن یا روایتی که حاکی از سنت است، حکایت از نوع فعل و تقریر از سنت دارد؟ یا حکایت از قول دارد؟ در آیات قرآن نیز همین طور است؛ یعنی مثلاً گاهی آیه قرآن حکایت از قول یا فعلی از پیامبر دارد. اگر مفاد این دلیل لفظی، فعل و تقریر باشد، داخل در ادله غیرلفظیه می‌شود؛ همچنان که برای اجماع و عقل در ذیل مباحث غیرلفظی، یک الگوریتمی قرار دادیم تا برسیم به تعیین اجزای جعل شرعی؛ اما اگر دلیل، قرآن و روایت است و مفاد دلیل هم فعل و تقریر نیست، یعنی قول است، این از جمیع جهات لفظی است و باید سراغ مباحث الفاظ برویم. اولین کار در اینجا، این است که مدلول انفرادی این روایت را بررسی کنیم؛ فارغ از اینکه آیا ادله دیگری دارد یا ندارد. اینکه مدلول جمعی‌اش پس از این چگونه خواهد بود، فعلاً کاری به آن نداریم. مدلول انفرادی، یعنی این روایت به تنهایی چه چیزی از آن برداشت می‌شود؟ طبعاً هم باید مدلول مطابقی‌اش و هم التزامی‌اش را برداشت کنیم.

مدلول مطابقی، الگوریتم‌های زیادی دارد؛ مثلاً مدلول مطابقی تقسیم می‌شود به کشف اصل معنای مراد که این خودش یک الگوریتم می‌خواهد. در اینجا باید بررسی کرد قرینه داریم یا نداریم. اگر علم داریم به معنای موضوعه، اصالة التطابق جاری می‌کنیم و سپس، به سراغ مراد جدی می‌رویم. اگر علم نداریم به مراد جدی، در صوتی که قرینه بود، آن را اخذ می‌کنیم؛ ولی اگر قرینه نبود، باید به دنبال علایم تشخیص حقیقت از مجاز باشیم و به وسیله این کار، موضوعه را مشخص و با اجرای اصل تطابق، به مراد جدی برسیم.

حجت الاسلام والمسلمین میهن دوست:

«روند کلی استنباط، از «مسئله‌شناسی» آغاز می‌شود؛ یعنی ابتدا با فرضیه‌سازی، باید مسئله را تعیین اولیه نمود. مرحله بعد، «دلیل‌شناسی» است. در این مرحله، ادله معتبر لیست می‌شوند؛ مثلاً خبر واحد حسی، معتبر است و یا اجماع، معتبر است. مرحله سوم، «جعل» خواهد بود. در واقع، خللی را که در الگوریتم‌های ارائه‌شده در جوامع علمی دارند، مربوط به خلأ در مراتب حکم است. در واقع، به نظر ما استنباط فقهی، چون استنباط حکم شرعی است، باید معیار اصلی الگوریتم، مراتب حکم شرعی باشد؛ یعنی تمام مباحث اصول فقه، باید بر دور مراتب حکم بچرخد؛ به بیان دیگر، یک قسمت آن، دور جعل و یک قسمت، دور فعلیت و یکی هم دور تنجز بچرخد



سپس، برای شناخت سعه و ضیق مراد حال، باید ببینیم در اینجا کدامیک از اطلاق، عموم، تنقیح مناط، الغای خصوصیت یا مناسبت حکم و موضوع وجود دارد. بعد از این، وقتی معنا (مدلول مطابقی) را کامل فهمیدیم، باید ببینیم مدلول التزامی دارد یا خیر. در مدلول التزامی، مدل‌های مختلفی مطرح کردیم؛ مثلاً لوازم مثبتات امارات یا بحث دلالت سیاقی از مرحوم مظفر مثل اقتضا و تقیید و اشاره (بعضی از آنها دلالت التزامیه است)، اینجا مطرح شده است. با عبور از مباحث الفاظ، به مرتبه جعل می‌رسیم. در اینجا حکم، موضوع و متعلق هم بر این اساس مشخص می‌شود. بنابراین، ما از راه دلیل غیرلفظی یا لفظی، به یک جعل رسیدیم؛ یعنی حکم، موضوع و متعلق را به دست آوردیم؛ ولی این بر اساس یک دلیل است. بنابراین، سؤالی که طرح می‌شود این است که آیا دلیل دیگری وجود دارد؟ اگر دلیل دیگری موجود باشد، دوباره این مراحل را تکرار می‌کنیم و در واقع، این چرخه، همان چرخه وجوب فحوص می‌شود؛ یعنی شما با یک دلیل نمی‌توانید به جمع برسید؛ بلکه باید از ادله دیگری هم جست‌وجو کنید و آن قدر این چرخه ادامه پیدا می‌کند، که دلیل دیگری وجود نداشته باشد.

اکنون می‌پرسیم آیا عملیات گذشته به دلیل معتبری خاتمه یافت؟ اگر دلیل معتبری نباشد، باز بررسی می‌کنیم که مجموعه ادله غیرمعتبر، آیا منجر به قطع و احتمال می‌شود؟ این موضوع، بر اساس نظریه تراکم ظنون یا بر اساس نظریه حساب احتمالات شهید صدر است؛ این کار را خیلی اوقات حتی شیخ انصاری هم در رسائل انجام می‌دهد. اگر به نتیجه رسیدیم و دلیل معتبر پیدا کردیم، در واقع جعل ما تعیین شده است. در این صورت می‌رویم سراغ فعلیت. در مرتبه فعلیت، وجود خارجی موضوع را بررسی می‌کنیم. به قول شهید صدر، فعلیت مرتبه‌ای است که در آنجا تحقق خارجی موضوع می‌آید. تا این حد را مرحوم مظفر و بعض دیگر هم قائل‌اند. سپس، اقتضا و مبانی فعلیت را بررسی می‌کنیم. الگوریتم‌های زیادی در این جهت وجود دارد؛ چون موضوع عبارت است از شخص بالغ عاقل قادر و غیره. یکی از آنها مثلاً قدرت است. تمام مباحث قدرت در علم اصول اینجا می‌آید. بنابراین، بحث ترتب، تراکم، اجزای امر اضطراری از واقعی، اینجا می‌آید؛ چون بحث قدرت است. در بحث تنجز، احراز حکم مطرح می‌گردد. بحث وصول و علم، اجزای امر ظاهری از واقعی، جهل عن قصور و عن تقصیر و اینکه جهل با فحوص بوده یا بدون فحوص، اینها همه در بحث تنجز مطرح می‌شود.

مسیر دیگر اینکه اینجا بگوییم از مجموعه ادله غیرمعتبر، به نتیجه‌ای نمی‌رسیم؛ یعنی از حساب و احتمالات یا تراکم ظنون، به نتیجه منتهی نمی‌شویم. جایی که دلیلی یافت نشد، باید به قسمت اصول عملیه، بحث تنجز برویم. بنابراین، ما اینجا به طلاب می‌گوییم بحث اصول عملیه، در واقع، بررسی مرتبه تنجز است.

آخرین مسیر، این است که وقتی معلوم شد دلیل معتبر در مسئله داریم، آیا فقط یک دلیل معتبر داریم

یا چند دلیل؟ اگر فقط یک دلیل داشتیم، همین مسیر دوباره تکرار می‌شود. وقتی یک دلیل معتبر داریم، به سراغ جعل می‌رویم و آن را تعیین دقیق می‌کنیم. بعد فعلیت و سپس تنجز را بررسی می‌نماییم. اگر چند دلیل معتبر در مسئله وجود داشت، بحث تعارض مطرح می‌شود. آیا این دلایل با هم تعارض دارند؟ اگر تعارض ندارند، یعنی جمع عرفی دارند؛ مثل عام و خاص، مطلق و مقید، حاکم و محکوم، وارد و مورد؛ به بیان دیگر، از جعل به فعلیت و در نهایت، به تنجز می‌رویم.

اما اگر دلایل موجود، تعارض مستقر دارند، بحث تعارض ادله مطرح می‌شود که خورده الگوریتم زیاد دارد. در اینجا به صورت کلی گفته شده که اگر مرجحی وجود دارد، باید به آن راجح اخذ کرد. راجح، دلیل مسئله می‌شود. در این فرض، باز جعل را با آن مشخص می‌کنیم و بعد فعلیت و در نهایت، تنجز. اما اگر مرجحی وجود ندارد، در صورتی که در تعارض مستقر قائل به تساقت هستیم، دوباره ذیل اصول عملیه و بحث تنجز می‌آید؛ ولی در صورتی که قائل به تخییر باشیم، دلیلی را که اختیار می‌کنیم، در حکم راجح حساب شده، دوباره سراغ جعل رفته، مرحله بعد فعلیت و در نهایت، تنجز. این، مدلی بود که در این کتاب ارائه شده بود که همان کلان الگوریتم ماست.»

حجت الاسلام والمسلمین قدمی

در ادامه این نشست علمی، حجت الاسلام والمسلمین سید محمدباقر قدمی، استاد حوزه علمیه و از مؤلفان کتاب الگوریتم دانش اصول فقه به ارائه مطالب خود پرداخت.

— احراز دلیل

«ما بر اساس بعضی از زبان‌های برنامه‌نویسی، این الگوریتم‌ها را کدنویسی کردیم. بخش «احراز دلیل» را در اینجا خدمت شما ارائه می‌کنم. فرض کنید اینجا همان‌طور که نوشته شده، جهت اعتبارسنجی، دلیل، نوع دلیل و خصوصیات آن در کادر زیر مشخص شده است. ما در فلوچارت خود بخشی به نام «احراز دلیل» داریم؛ یعنی آیا این دلیل، حجت است؟ آیا صادر شده است یا خیر؟

می‌گوییم فرض کنید که ما نوع دلیل شما را مشخص کنیم؛ یعنی فهرستی از ادله را به کاربر ارائه می‌دهیم؛ زیرا در واقع، این سیستمی که ما ارائه می‌کنیم، یک سیستم تعاملی با کاربران بوده و آموزشی است؛ یعنی بر اساس آنچه در اصول فقه فرا گرفته‌اند، سیر فرآیند استنباطی مباحث را طی می‌کنند. در

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

حجت الاسلام والمسلمین قدمی:

فلوچارت‌هایی که ما در این کتاب آورده‌ایم و فلوچارت کلانی که ذکر شد، تک‌تک اینها می‌تواند یک دستگاه استنباطی باشد که در این برنامه مورد استفاده قرار گیرد. باید گفت که این کار، منحصر در اصول فقه مرحوم مظفر نیست؛ بلکه بر اساس مبانی مختلف، چگونگی قواعد اصولی را می‌توان فرایندسازی نمود که هر کدام فلوچارت ویژه‌ای می‌طلبند.



اینجا اجماع، خبر، سیره عقلا، عقل و قرآن، می‌تواند دلیل باشد؛ به عنوان مثال، اگر خبر دلیل ما باشد، مرحله بعد سؤال این است که خصوصیت این خبر چیست؟ در اینجا فهرستی از خصوصیات که در این خبر وجود دارد، باید باز شود. اگر مرحوم مظفر بر مبنای مشهور، اعراض را موجب ضعف سند بداند یا عمل مشهور به خبری را که ضعف داشته باشد، موجب انجبار ضعف سند بداند، در این صورت، خبری که اعراض مشهور دارد، بر اساس مبنا معتبر نخواهد بود؛ البته در نزد بعضی از بزرگان، مبانی دیگری وجود دارد؛ مثل مرحوم آیت‌الله خویی که این مبانی اعراض و انجبار را قبول ندارند. مهم در نزد اینها آن است که راوی، ثقة هست یا نیست.

به هر حال، فلوچارت‌هایی که ما در این کتاب آوردیم و فلوچارت کلانی که ذکر شد، تک‌تک اینها می‌تواند یک دستگاه استنباطی باشد که در این برنامه مورد استفاده قرار گیرد. باید گفت که این کار، منحصر در اصول فقه مرحوم مظفر نیست؛ بلکه بر اساس مبانی مختلف، چگونگی قواعد اصولی را می‌توان فرایندسازی نمود که هر کدام فلوچارت ویژه‌ای می‌طلبند.»

حجت‌الاسلام والمسلمین بختیاری

از دیگر سخنرانان این نشست، حجت‌الاسلام والمسلمین سید جلال‌الدین بختیاری، مدیر گروه فقه و مبانی حقوق مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی بود. ایشان ضمن تشکر از حضور مؤلفان محترم کتاب «الگوریتم دانش اصول فقه» در این نشست علمی، کار انجام گرفته را بدیع و شایسته تقدیر خواند.

– الگوریتم دانش فقه با نظر به علم اصول

«نکته نخست اینکه ارائه این نوع مباحث، از آنجا که تازه و ناآشناست، باید به گونه‌ای جذاب‌تر باشد؛ مثلاً اصطلاحاتی که گفته شد، برای بعضی از حوزویان ناآشناست و استفاده از این کلمات جدید، باید با توضیح باشد؛ برای مثال، کلمه «الگوریتم» که از الخوارزمیه گرفته شده، توضیح داده نشد که مبدع الگوریتم، خوارزمی ریاضی‌دان بوده و او علم ریاضی را به صورت همین فرایند گام‌به‌گام ترتیب‌بندی نموده است. پس از او نیز غربی‌ها با استفاده از مدل او، در برنامه‌نویسی برای کامپیوتر، الخوارزمیه را به الگوریتم تبدیل کردند.»

نکته بعدی این است که عنوان این کتاب، و همچنین جلسه بهتر است به الگوریتم دانش فقه با نظر به علم اصول تبدیل شود؛ زیرا وقتی می‌گوییم الگوریتم دانش اصول فقه، یعنی ما می‌خواهیم آن فرایندهای گام‌به‌گام را انجام بدهیم تا به نتایج اصولی برسیم و مراد از آن، حجت‌ها و دلیل‌هایی است که می‌تواند واسطه استنباط احکام فقهی واقع شود؛ اما آنچه در کتاب آمده، در واقع، الگوریتمی برای

رسیدن به نتایج فقهی و احکام فقه است. در فقه ما به دنبال احکام هستیم و زمانی که یک حکم شرعی را وارد این کارخانه (فلوچارت) می‌کنیم و از آن طرف، دنبال نتیجه هستیم، نتیجه به صورت یک حکم شرعی خارج می‌شود. بنابراین، بهتر بود دوستان عنوان را «الگوریتم دانش فقه با نظر به علم اصول» می‌گفتند.

– طرح چند پرسش

نکته سوم اینکه گفته شد، یکی از پایه‌های علم اصول، همین الگوریتم است؛ این بیان، به چه معناست؟ علم اصول، مراحل گام‌به‌گام تا رسیدن به نتیجه را به افراد یاد می‌دهد. مرحوم آقای صدر در کتاب حلقات می‌گوید: «الفقه والاصول، يمثلان النظرية والتطبيق». یعنی در اصول، نظریه‌پردازی شده و در فقه تطبیق می‌شود؛ به این معنا که نظریات و قواعدی که در اصول محقق شده، در فقه پیاده‌سازی می‌شود. به قول شهید صدر، عملیات استنباط، دو جزء دارد: یکی عناصر مشترکه و دیگری عناصر خاصه. عناصر مشترکه در اصول بحث می‌شود و عناصر خاصه در فقه. باید توجه داشت، سخن ما به این معنا نیست که اگر کسی مثلاً در اصول عناصر مشترکه را به دست آورد، مثل حجیت خبر واحد یا ظهور، از آن طرف بتواند سریع نتیجه‌گیری کند؛ بلکه تطبیق قواعد اصولی بر فقه، نیاز به یک قواعدی دارد. شهید صدر می‌فرماید: یکی از گام‌هایی که در اصول باید برداشته بشود و اصولی اینها را بحث و ثابت کند، شیوه چینی قواعد اصولی در فقه است که می‌خواهد نتیجه بدهد. این در علم اصول باید مشخص شود. در هر قسمتی از مسائل اصول، لازم است صاحب کتاب مشخص کند که قبل از این مرحله، چه مرحله‌ای باید طی شود. فقط نکته این است که گاهی ممکن است فقیه مراحل استنباط خود را فراموش کند - مثلاً گفته شده شیخ انصاری بعضی مبانی را در اصول پایه‌گذاری کرده؛ ولی در فقه فراموش کرده و آنها را اجرا نکرده که البته من خودم با این حرف خیلی موافق نیستم؛ زیرا می‌بینیم در فقه، شیخ انصاری به جهت ملاحظه‌ای مبنای اصولی خود را پیروی نکرده است - به هر حال، اینجا قرائت حد وسط که فقیه‌یار است، به کمک فقیه می‌آید؛ ولی به نظر می‌رسد که این مشکل را خود آقایان حل کردند؛ مثلاً در همین جلسات استفتائی که تشکیل می‌شود، یکی از کارها همین است که چند شاگرد پخته و متبحر با استاد حول یک مسئله بحث می‌کنند. فقیه بر اساس ادله‌ای که در ذهن دارد، نتیجه‌ای را می‌گیرد؛ ولی شاگردان تذکر می‌دهند که این حرف با مبنای شما سازگاری ندارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

حجت الاسلام والمسلمین دانش:

اینکه طلاب حوزه‌های علمیه برای پیشرفت هر چه بهتر و بیشتر علوم حوزوی، جسارت ورود به چنین مباحثی را داشته باشند و بتوانند خودشان را با فناوری‌های نوین مبتنی بر کامپیوتر همراه کنند، کاری بزرگ است. یکی از مطالبات رهبر معظم انقلاب از حوزه‌های علمیه نیز همین است که حوزه خودش را با شرایط زمانه و پیشرفتی که در فناوری‌های مختلف اتفاق افتاد همراه کند

آیا این کتاب می‌خواهد حلقه واسطه بین فقه و اصول باشد؟ به این معنا که اگر به الگوریتم ارائه شده مسلط شود، در فقه راحت‌تر می‌تواند استنباط کند. در این صورت، سؤال دیگر این است که این کتاب به عنوان یک کتاب درسی ارائه می‌شود یا به عنوان یک کتاب مکمل مورد توجه است؟ ظاهراً دومی مورد نظر دوستان است. در این صورت، اولاً، یادگیری این فلوجارت‌ها نیاز به تدریس مجدد دارد و ثانیاً، این پرسش مطرح می‌شود که اگر کسی واقعاً اصول مظفر را خوب بخواند، این الگوریتم به گونه‌ای در ذهن او جا می‌گیرد و نیازی نیست که این الگوریتم‌ها را به صورت تفصیلی مطالعه کند. بنابراین، وقتی مسلط به مباحث اصولی باشد، تقریباً این سیر بحث در ذهنش نقش می‌بندد. بله، انسان با بعضی طلبه‌هایی که هنوز قوی نیستند برخورد می‌کند و اگر از آنها پرسید، نمی‌توانند جواب بدهند؛ ولی این مشکل، از خود آنهاست که تسلط به مباحث ندارند. بر این اساس، جنبه آموزشی بودن این کتاب نیز چندان مورد نیاز نیست.

نکته آخر، پیچیدگی این فلوجارت‌هاست؛ یعنی اگر کسی به مباحث کتاب اصول مظفر مسلط نباشد، نمی‌تواند فهم درستی از این فلوجارت‌ها داشته باشد و این با جنبه آموزشی بودن کتاب، سازگاری ندارد.»

حجت‌الاسلام والمسلمین دانش

در بخش دیگر این نشست، حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد دانش، پژوهشگر در زمینه علوم اسلامی و انسانی دیجیتال و دارای مهندسی کامپیوتر گرایش نرم‌افزار، به ارائه مطالب خود پرداخت. ایشان ورود پژوهشگران در این عرصه‌ها را شایسته تقدیر خواند و افزود:

«اینکه طلاب حوزه‌های علمیه برای پیشرفت هرچه بهتر و بیشتر علوم حوزوی، جسارت ورود به چنین مباحثی را داشته باشند و بتوانند خودشان را با فناوری‌های نوین مبتنی بر کامپیوتر همراه کنند، کاری بزرگ است. یکی از مطالبات رهبر معظم انقلاب از حوزه‌های علمیه نیز همین است که حوزه خودش را با شرایط زمانه و پیشرفتی که در فناوری‌های مختلف اتفاق افتاد همراه کند.»

– لزوم به‌کارگیری ابزارهای ماشینی روز

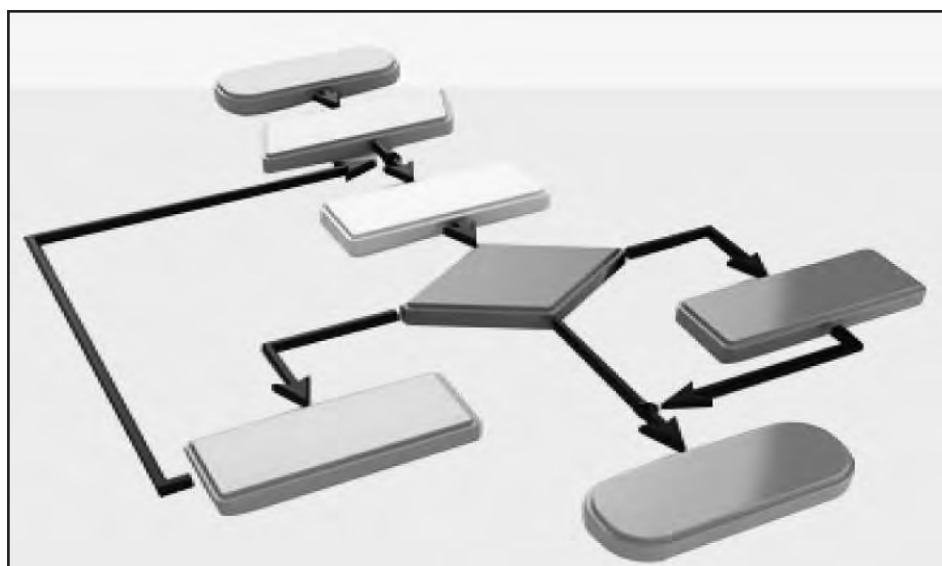
«با توجه به اینکه ما گزاره‌های بسیاری در علوم اسلامی داریم، لازم است به سویی حرکت کنیم که از روش کلاسیک وارد روش‌های نوین بشویم و دانش‌های نهانی را که در دل این گزاره‌ها وجود دارد، استخراج کرده، مورد استفاده قرار دهیم. دوستان اشاره کردند که ما قرائت حدقلی داریم و به عنوان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی مهر: حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی مهر

ما به دنبال ماشینی کردن این الگوریتم هستیم و می‌خواهیم تجربه کنیم که نرم‌افزار شدن آن، امکان دارد یا خیر؟ بنابراین، احاطه علمی در حدی نداریم که بتوانیم ادعا کنیم الگوریتم انتسابی وجود دارد یا خیر؟ ما در حد قرائت فقیه‌یار و آموزش ادعا داریم. بنابراین، به نظر ما همه مکاتب، حتی مکتب قم هم قابل الگوریتمیک‌سازی است؛ ولی طبعاً سخت‌تر است؛ زیرا مکتب قم، به قرینه محور بودن شهرت دارد و ضابطه‌مندی کمتری نسبت به مکتب نجف دارد





یک کتاب آموزشی، به این پژوهش نگاه می‌کنیم. با صرف نظر از اشکالی که وارد شد که ممکن است در وهله اول، طلاب با مواجهه با حجم زیاد فلوچارت‌ها دچار سردرگمی شوند؛ ولی حقیقتاً در این کار اگر دیدمان را بالاتر نیاوریم، با اینکه زحمات فراوانی کشیده شده، شاید فایده‌ای که می‌خواستیم از آن برداشت شود، اتفاق نیفتد؛ البته این اشکال، با تقسیم‌بندی و خورده‌الگوریتم‌ها و فلوچارت‌ها، قابل جبران است.

دوستان فرمودند که ما در حیطه چپستی، چرایی و چگونگی، وارد مبحث «چگونگی» با مهارت‌های اجرایی می‌شویم؛ به این صورت که فرآیندی را که اصولی در کشف مسیر استنباط حکم شرعی طی می‌کند، به صورت الگوریتمی (در غالب فلوچارت) طراحی می‌کنیم. نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم، راجع به چپستی و چرایی است. من فکر می‌کنم می‌توانیم که به سمت وسویی حرکت کنیم که ان شاءالله یک آورده‌های خوبی از این پایه‌های گذاشته‌شده داشته باشیم. چند مورد را مثال می‌زنم. دوستان در مباحثشان گفتند که ما مدلول انفرادی (آنچه از متن و گزاره‌های متنی استخراج می‌شود) را مورد توجه قرار می‌دهیم یا مدلول جمعی را که در بحث تعارض ادله اشاره شد، مورد توجه قرار می‌دهیم، اینها خوب است؛ ولی قطعاً ما دوره‌های نهانی داریم که اشاره کردند باید آنها را هم لحاظ کنیم. ما نمی‌توانیم با صرف دید الگوریتمیک، کار را جلو ببریم. امروزه ما باید به سوی یادگیری ماشین، تکنیک‌های هوش مصنوعی، دیتا کاوی، دیتا ماینی و داده کاوی یا متن کاوی حرکت کنیم. استفاده از اینها، قطعاً کار شما را ارتقا خواهد داد. ما می‌توانیم از این داده‌هایی که شما ارائه کردید، وارد فضاهای معناشناسی شبکه‌ای شده، بتوانیم سیاق‌ها را کشف کنیم، به مذاق شرع دست پیدا کنیم و یا منهج‌ها و مذاق‌های اصولیون را کشف نماییم. ای موارد، صرفاً با استخراج الگوریتم و کشیدن فلوچارت، میسر نیست. استفاده از تکنیک‌های هوش مصنوعی، نقص و کمبود در فلوچارت‌ها را پوشش خواهد داد.

دلالت‌های التزامی و دلالت‌های تضمینی که در دلالت مطابقی وجود دارد، باید مورد پردازش قرار گیرد. دلالت‌های تضمینی، یکی از مواردی است که فقیه آن را در استنباط یا متش لحاظ می‌کند؛ درحالی که آنها را نمی‌تواند مسقیم ذکر کند. اینها باید کشف شود. فضای صدور نیز به همین شکل، چون فراتر از مباحث لفظی است، باید ملاحظه گردد. چگونه می‌توان اینها را لحاظ کرد؟ یک مورد را مثال می‌زنم. چند سال پیش در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، وارد بحث صرف زبان عربی شدیم و آن را به صورت ماشینی فایل‌سازی و اجرایی کردیم. شاید کمترین فایده‌هایی که برایش گفته می‌شد،

این بود که کمک کند به طلاب و کسانی که می‌خواهند در زمینه صرف زبان عربی متبحر شوند و از آن به عنوان یک ابزار کمک‌آموزشی استفاده کنند؛ اما وقتی وارد کار شدیم، دیدیم که با مجهولات گسترده و حلقه‌های مفقوده مواجهیم که برای پیاده‌سازی از حالت فلوچارتی به زبانی که ماشین آن را بفهمد، قطعاً جای کار زیادی بود و اینها به تدریج توسط دوستانی که در گروه پژوهشی مربوطه بودند، با همکاری عزیزانی که در گروه فنی بودند، تبدیل به قوانینی شد که کار را رفته‌رفته کامل‌تر کرد و به جای خوبی هم رسید. عزیزان نیز برای بهره‌مندی بهتر، لازم است به این سمت حرکت کنند. حالا می‌توان قواعد را یک‌به‌یک پیاده‌سازی کرد که البته زمان‌بر است یا اینکه به دنبال استفاده از ابزارهایی جدیدتر باشید؛ مثلاً شبکه‌های معنایی یا استفاده از نرم‌افزاری مثل پُردجیک که این به صورت اصطلاحاً بنیادی و دانش‌محور، به شما کمک خواهد کرد. فلوچارت‌هایی که با زحمت فراوان تولید شده، به صورت عملیاتی در این نرم‌افزارها یا شبکه‌ها، پیاده‌سازی شود. در این صورت، تناقض‌های این فلوچارت‌ها هم مشخص خواهد شد.»

پاسخ به سؤالات

– حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی مهر

در ادامه جلسه، در پاسخ به سؤالات مطرح‌شده، حجت‌الاسلام والمسلمین سید علی‌رضا موسوی مهر به ارائه مطالب خود پرداخت. ایشان ضمن تقدیر از مسئولان برگزاری نشست گفت:

«کار جدید با تغییرات زیادی که در فلوچارت انجام شده، تکمیل کار گذشته بوده و قطعاً این مسیر، ادامه پیدا می‌کند.»

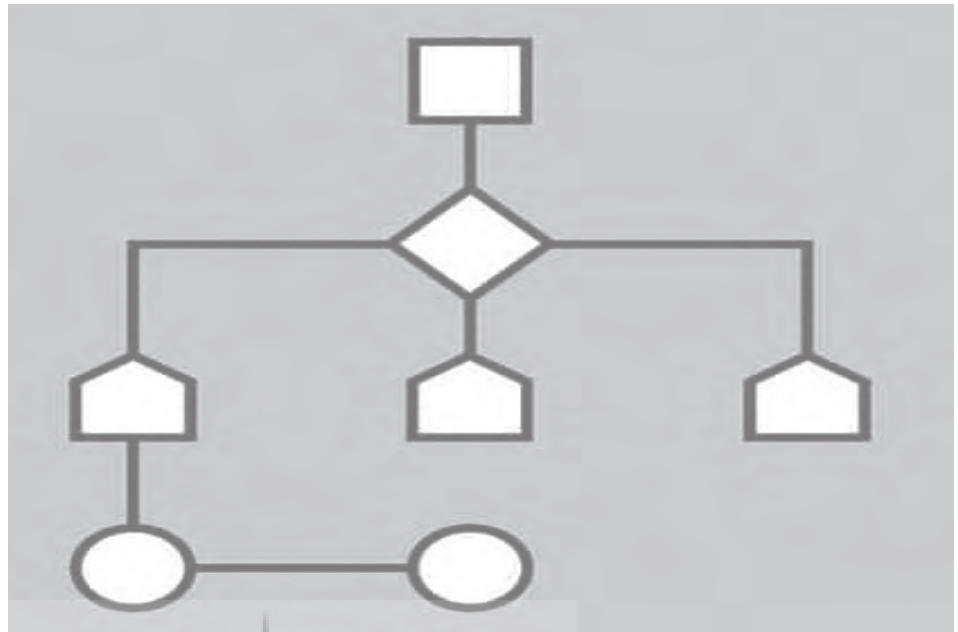
راجع به اشکالی که مطرح شد، عرض کنم اینکه مردم فطرتاً منطقی هستند، موجب نمی‌شود تا نیازی به بررسی و تدریس علم منطق نباشد. روشن است که بالأخره تذکر به نکات فطری و ارتکازی، خیلی می‌تواند در تعمیق آن مؤثر باشد، این کتاب الگوریتم دانش اصول فقه، با همان رویکرد تذکر دادن تألیف شده است. از این‌رو، اشکال حاج آقای بختیاری قابل پاسخ است. بنابراین، اگر شخصی بخواهد مبانی علمی مرحوم مظفر را به دست بیاورد، لازم است این فرایندها را نیز فرا بگیرد. یکی از اساتید به بنده فرمود: «من قبل از اینکه حلقه ثالثه «دروس» شهید صدر را تدریس کنم، نمی‌دانستم این نکته علم اصول فقه، کجای ساختار کلی آن قرار می‌گیرد. شهید صدر، اصول را به شکل یک ساختار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی

حجت‌الاسلام بختیاری:

اصطلاحاتی که گفته شد، برای بعضی حوزویان ناآشناست و استفاده از این کلمات جدید، باید با توضیح باشد؛ برای مثال، کلمه «الگوریتم» که از الخوارزمیه گرفته شده، توضیح داده نشد که مبدع الگوریتم، خوارزمی ریاضی‌دان بوده و او علم ریاضی را به صورت همین فرایند گام‌به‌گام ترتیب‌بندی نموده است. پس از وی نیز غربی‌ها با استفاده از مدل او، در برنامه‌نویسی برای کامپیوتر، الخوارزمیه را به الگوریتم تبدیل کردند



کلاسیک ارائه دادند و در این مسیر حرکت کردند.» بله، قطعاً کسی که خیلی خوب بتواند تحلیل کند و فرا بگیرد، می‌تواند این الگوریتم را ارائه بدهد؛ اما هدف ما از این کتاب، فعلاً و در وهله اول، پایه‌گذاری یک بنیان بوده است. باید گفت که کمک آموزشی بودن این کتاب، به این معنا نیست که با ارائه نمودار، آموزش، راحت‌تر صورت می‌گیرد؛ هرچند ممکن است در بعضی مباحث، این فایده هم حاصل شود؛ بلکه بیشتر هدف ما، تکمیل فرایند تحصیل با دقت در نتیجه‌گیری است؛ حال ممکن است، استفاده از این کتاب، موجب کندی فرایند تحصیل نیز گردد.»

– حجت‌الاسلام والمسلمین میهن‌دوست

«یک نکته‌ای که به نظرم می‌رسد، اینکه خیلی از سؤالات با توجه به دید حداکثری به الگوریتم گفته شد که من مقدماتاً گفتم که ما اصلاً چنین ادعایی نداریم؛ حتی فقیه‌یار بودن هم مورد ادعای ما نبود؛ هرچند خارج از این کتاب، ادعای فقیه‌یار بودن، عجیب نیست.

مطلب بعد اینکه ما به دنبال ماشینی کردن این الگوریتم هستیم و می‌خواهیم تجربه کنیم که نرم‌افزار شدن آن، امکان دارد یا خیر؟ بنابراین، احاطه علمی در حدی نداریم که بتوانیم ادعا کنیم الگوریتم انتسابی وجود دارد یا خیر؟ ما در حد قرائت فقیه‌یار و آموزش ادعا داریم. بنابراین، به نظر ما همه مکاتب، حتی مکتب قم هم قابل الگوریتمیک‌سازی است؛ ولی طبعاً سخت‌تر است؛ زیرا مکتب قم، به قرینه‌محور بودن شهرت دارد و ضابطه‌مندی کمتری نسبت به مکتب نجف دارد. بنابراین، ما بر ادعای آموزشی بودن این کتاب استوار هستیم؛ هرچند این کار الآن به جهت تکنیک‌های هوش مصنوعی در غیر آموزش، منسوخ شده باشد. بله، امروزه با استفاده از آنتولوژی، الگوریتم‌هایی استخراج می‌شود؛ اما این الگوریتم‌ها، هدف آموزشی‌ای را که ما به دنبال آن هستیم، محقق نمی‌سازد. هدفی که ما در این کتاب دنبال می‌کردیم، کشف روابط بین مسائل و مبانی بود.

اینکه گفته شد با این کار آموزش سخت‌تر می‌شود، در جواب عرض می‌کنم که اتفاقاً بنده با تدریس این کتاب و کتاب الگوریتم دانش رجال (فرآیندسازی دانش رجال)، نتیجه کاربردی و خوبی برای فراگیران مشاهده نمودم؛ به گونه‌ای که دوستان اعتراف می‌نمودند، با تدریس کتاب فرآیندسازی دانش رجال، وضعیت ما با ترم قبلی خیلی تفاوت داشت و خیلی بهتر می‌فهمیدیم که جایگاه هر قاعده کجاست. ما در

رجال می‌گوییم که توثیقات عامه و توثیقات خاصه داریم و یا مثلاً قطع به صدور و خبر واحد، محفوف به قرینه داریم، بازسازی سند داریم و... همه اینها را ما یاد می‌گیریم؛ اما زمانی که می‌خواهیم شروع به بررسی اعتبار سندی کنیم، نمی‌دانیم از کجا باید شروع کنیم؟ برای اینکه دوستان حاضر در درس را امتحان کنم، از ایشان سؤال پرسیدم: شما بفرمایید گام اول و دوم در بررسی اعتبار سندی چیست؟ کسی نتوانست جواب بدهد؛ یعنی با اینکه ایشان قبلاً درس رجال را خوانده بودند و خوب هم خوانده بودند، ولی نمی‌دانستند گام اول چیست. منصفانه عرض می‌کنم چندباری که اصول فقه را تدریس نمودم، با اینکه تسلط نسبی پیدا کرده بودم، ولی وقتی این کار را شروع کردم، تازه متوجه چالش‌های آن شدم. چیدن رتبه مباحث، چالش‌های فراوانی دارد. وقتی به آقای قدمی پیشنهاد این کار را دادم، تصور می‌کردم یک هفته‌ای این کار انجام می‌شود؛ اما باور کنید ما به مدیک یک سال، روزانه دو تا سه ساعت وقت گذاشتیم تا آخر توانستیم رتبه‌های بین مسائل را بچینیم. این را خدمت حاج‌آقای واسطی که پایان‌نامه دکترایشان همین موضوع بود، بردیم. ایشان گفتند: من می‌دانم چه پدری از شما درآمده. کشف روابط بین مسائل، کار سختی است.

اینکه رتبه اول کشف صدور چیست؟ ما مثلاً به این نتیجه رسیدیم که رتبه اول، بر اساس قطع به صدور است. اول باید تواتر، اعراض، انجبار و خبر محفوف به قرینه را بررسی کرد و اگر قطعی حاصل نشد، می‌رویم سراغ سند که بازسازی می‌خواهد. مرتبه بعد، شناسایی راوی است. سپس، مرسلات و بعد مثلاً توثیق و تضعیفات و امثال اینهاست. وقتی از بعضی اساتید رجال، این مراحل را می‌پرسیدیم، نمی‌توانستند با این ترتیب ذکر کنند.

نکته پایانی اینکه گفته شده یکی از تعریف‌های علم، کشف روابط است. باید عرض کنم بنده بعد از اینکه این کتاب را با دید الگوریتمیک نوشتم، فهم متفاوتی از اصول فقه پیدا کردم. بله، بخشی از مباحث اصول به تفصیل مورد بحث واقع شده است؛ نظیر: ماهیت‌شناسی و چرایی؛ اما بحث چگونگی، کمتر مورد توجه واقع شده است. شاید به این جهت باشد که خیلی موارد آن، ارتکازی است که البته لازم است این ارتکازات، کشف شود.»

– حجت‌الاسلام والمسلمین دانش

ایشان در بخش پایانی صحبت‌های خود اظهار داشت:

«بنده آموزشی بودن این کتاب را نفی نکردم؛ فقط عرضم این بود که به فلوچارت‌هایی تقسیم‌بندی کنید تا در وهله اول، این حجم انبوه، متعلمان را به اضطراب دچار نکند. نکته بعدی اینکه در مورد چستی‌ها و چرایی‌ها نیز کار انجام بدهید و پکیج‌هایی درست کنید که بر اساس مبانی مختلف اصولیین، قابلیت تحلیل داشته باشد تا در ادامه، حجم کار کمتر شود و فراتر از این، نگرشی را که یک اصولی دارد، بتوانید استخراج کنید.»

– حجت‌الاسلام والمسلمین قدمی

ایشان نیز در بخش پایانی، با تقدیر و تشکر از ناقدان محترم و نکات خوبی که مطرح کردند، گفت:

«ما یک تئوری را اینجا ارائه نمودیم و قسمتی هم که کدنویسی در اکسس داشتیم، صرفاً به جهت علاقه بنده بود و اینکه عرض کنم می‌شود بعضی از این فلوچارت‌ها و مبادی را هوشمند کرد.»

ما وقتی با دید الگوریتمیک به یک علمی مثل اصول نگاه کنیم، می‌بینیم چستی، ماهیت‌شناسی و چرایی مباحث زیادی گفته نشده است و یکی از ثمراتی که در این فرآیندسازی به چشم می‌آید، خلأهایی است که در بحث‌های نظری مورد غفلت واقع شده است. ■